



## سفال دوره اوروک در تل بلاذیه بر پایه کاوش‌های ترانسه C6N

محمد کرمی\*

### چکیده

تل بلاذیه در دشت شوشان در شرق رودخانه دز و استان خوزستان واقع شده است. این تپه در نزدیکی یکی از مراکز مهم و بزرگ منطقه‌ای یعنی چغامیش قرار دارد. در زمستان ۱۳۸۳ خورشیدی توسط هیات مشترک باستان‌شناسی ایران و دانشگاه شیکاگو به سرپرستی آقایان دکتر عباس علیزاده و علی ماه‌فروزی این تپه مورد کاوش قرار گرفت. هدف مهم کاوش این تپه شناخت فاز گذار از دوران پیش از تاریخ به دوران آغاز تاریخی و گاهنگاری‌های داخلی دوران اوروک بود که با توجه به مشکلات موجود این اهداف به نتیجه دلخواه منجر نگردیدند. یکی از ترانسه‌های ایجاد شده در این تپه مربع C6 در ضلع شمال و شمال غربی تپه بود که ترانسه C6N در سوی شمالی آن قرار داشت و به خاطر اینکه از ابتدا سیر منظمی از سفال‌های آغاز نگارشی را به دست داد؛ به منظور شناخت گاهشماری‌های داخلی دوره اوروک کاوش شد. در این مقاله سعی بر این است تا با معرفی و دسته‌بندی سفال‌های آغاز نگارشی به دست آمده از این ترانسه تفاوت‌های میان فرم، خمیره و ترکیبات آن‌ها با یکدیگر مطرح و در نهایت با توجه به پیچیدگی‌های اواخر هزاره پنجم و چهارم پ.م در دشت شوشان، به جایگاه مراکز محلی همچون تل بلاذیه در منطقه و نقش محوطه‌های منطقه‌ای بر روی آنها پرداخته شود.

**کلیدواژگان:** سفال، دوره اوروک، خوزستان، تپه بلاذیه، چغامیش.

## مقدمه

خوزستان در جنوب غربی ایران و شمال غربی خلیج فارس وسعتی در حدود ۶۴۶۵۴ کیلومتر مربع دارد. این سرزمین از کوهپایه‌های بختیاری، کهکیلویه و لرستان در شمال و شمال شرقی شروع شده و با شیب ملایمی به سوی جنوب تا سواحل خلیج فارس امتداد یافته است (ملک، ۱۳۷۸: ۵۰۲) و چنین به نظر می‌رسد که این دشت توسط رشته کوه‌های زاگرس از شمال و شرق، خلیج فارس از جنوب و مرز عراق در غرب احاطه شده است (علیزاده، ۱۳۸۲: ۳۹). کرخه، دز و کارون سه رود بزرگ به همراه رودهای کوچکتر که خوزستان را آبیاری می‌کنند، باعث تخلیه حدود ۱۰۰۰۰ کیلومتر مربع از خاک رشته کوه‌های زاگرس می‌شوند (Kirkby, 1997: 251) و همین امر سبب به وجود آمدن دشت‌های آبرفتی و حاصلخیز در این منطقه گردیده است.

## ساختار زمین‌ریخت‌شناسی

ساختار جغرافیایی که امروزه جنوب غربی ایران نامیده می‌شود، در اثر چین خوردگی‌های کوه‌های زاگرس به صورت کمانی در اطراف لبه شمال و غرب سرزمین‌های پست است. کوهپایه‌های این رشته کوه‌ها، نامنظم و دره‌های رسوبی دارند که حاصل انباشت نهشته‌های رودهای زاگرس شامل کارون از شرق، دز از شمال و کرخه از شمال غربی بوده و آب زیادی را وارد این سرزمین می‌کنند، که یکی از آن‌ها دشت شوشان است. این دشت به دشت پهناور بین‌النهرین در جنوب غربی می‌پیوندد

و شاید این ساختار زمین‌شناسی تنها بازمانده سرزمین و ناحیه‌ای باشد که با مردمان هزاره چهارم پ.م مرتبط بوده است چرا که در حال حاضر بیشتر موارد تغییر کرده‌اند (Wright, 1977: 174-5).

## پیچیدگی‌های اجتماعی-سیاسی در اواخر هزاره پنجم و هزاره چهارم پ.م

پیچیدگی‌های اواخر فاز شوشان در پیش از تاریخ خوزستان همزمان با تحولات بین‌النهرین، ما را با دوره‌ای جدید با نام شهرنشینی روبرو کرد. با توجه به کاوش‌های تپه وارکا در بین‌النهرین که نخستین بار مواد فرهنگی مربوط به این دوره از آنجا کشف شد، این دوره فرهنگی به نام اوروک شناخته شد و مدت زیادی نگذشت که کاوشگران در مناطق مختلف بین‌النهرین با مواد فرهنگی مربوط به این دوره مواجه و آن را با اوروک مقایسه کردند (Algaze, 1993: 13-17). در ارتفاعات زاگرس جنوبی ایران نیز استقرارهای باز سازمان‌یافته<sup>۱</sup> در طی هزاره چهارم پ.م آشکار شدند که بعد از کاهش اندازه جمعیت در اواخر هزاره پنجم، به نظر می‌رسد که ظهور شیوه‌های دیگر زندگی همچون کوچ‌نشینی باید دلیل آن باشد (Alizadeh, 1988: 23-43; Sumner, 1988: 17-33). در این زمان برخی استقرارهای محلی شروع به رشد کرده و در آن‌ها شاخص‌های زندگی شهری همچون سیستم استحکامات و دیوارهای پشتیبان و دفاعی، ساختمان‌های اداری و صنعتگران دیده شدند. این استقرارهای بزرگ معمولاً توسط تعدادی محوطه‌های کوچک با اقتصاد معیشتی کشاورزی

داده شد تا سفال‌های دوره آغاز نگارش تپه یاد شده را معرفی کنم.

### پیشینه مطالعاتی

خوزستان به دلایل مهمی همچون شرایط آب و هوایی، زمین ریخت شناسی و همچنین قرار گرفتن در همسایگی بین‌النهرین جایگاه ویژه‌ای در مطالعات نخستین استقرارها در دشت و دوره‌های بعد یافته است. یکی از ویژگی‌های این منطقه وجود پیوستگی استقرارها از قدیم‌ترین آن تا دوره‌های متاخر است، چنانکه می‌توان تحولات مهم زندگی بشر را از آغاز زندگی روستائینی همچون اهلی کردن جانوران و گیاهان و همچنین شهرنشینی دنبال نمود. جدا از کاوش‌های تجارتي و غیر علمی؛ پژوهش‌های باستان‌شناختی اعم از بررسی و کاوش در این منطقه بسیار زیاد است و از سال ۱۹۶۰ میلادی مطالعات روشمند و مساله‌گرا به شدت مورد توجه قرار گرفت: (Adams, 1962; Hole, 1969; Wright, 1972; Wright & Johnson, 1975; و Alizadeh, 2004) و در این میان مطالعات دامنه‌داری در ارتباط با دوره آغاز نگارش و گاهنگاری داخلی آن انجام شد که با توجه به مقایسه سفال‌های به دست آمده از این فرهنگ در مناطق مختلف خوزستان با بین‌النهرین تاثیر بسزایی در شناخت این دوره داشت (Johnson 1973).

### موقعیت جغرافیایی تل بلاديه

تل بلاديه (۳۵۶۵۴۷۱ شمالی و ۲۶۶۵۰۲ شرقی) در نزدیکی روستایی به همین نام در حدود ۳۰ کیلومتری شرق و شمال شرق شوش و بر جانب شرقی رود دز و همچنین در ۳ کیلومتری جنوب

احاطه شده بودند (Helwing, 2004:156). در خوزستان از هزاره پنجم پ.م شوش و ابوفندوا شروع به توسعه و تبدیل به مراکز منطقه‌ای کردند و در اواسط هزاره چهارم پ.م سومین مرکز در چغامیش پدیدار شد که از دو تای دیگر بزرگتر بود. همچنین تمرکز استقرارها در امتداد لبه غربی دشت نشان می‌دهند که نیمه شرقی دشت شوشان به شدت زیر کنترل گروه‌های کوچ‌نشین بوده است (Ibid:157).

در طی این هزاره خلیج فارس نیز از نظر تجارت دریایی در دسترس قرار گرفت و روستاهای کوچک به شهرک‌ها و شهرها با صنعتگران، بازارهای مرکزی، ایستگاه‌های مبادلاتی و نهادهای حکومتی- اداری و معابد تبدیل شدند و این تحولات اولین بار در هزاره سوم پ.م با ظهور فرهنگ پرتوایلامی به اوج رسید (Helwing, 2004: 154).

### پروژه سال ۱۳۸۳ خوزستان

در زمستان سال ۱۳۸۳ هیات مشترک ایران و موسسه شرقی دانشگاه شیکاگو به سرپرستی مشترک آقایان علی ماهفروزی و دکتر عباس علیزاده کاوش باستان‌شناختی در دو تپه چغادوسر و بلاديه در دشت شوشان به ترتیب به منظور شناخت تحولات فاز گذار از شوشان قدیم به میانه و جدید و شناخت فاز گذار از پیش از تاریخ به دوران آغاز نگارش و گاهنگاری داخلی آن انجام دادند. با توجه به اینکه نگارنده در تل بلاديه (KS-108) <sup>□□□</sup> به عنوان سرپرست ترانشه C6N انجام وظیفه نمودم، این اجازه

گرفتند. ترانسه C6N با ابعاد ذکر شده بر خلاف نیمه جنوبی یعنی C6S از همان ابتدای کاوش سیر منظمی از سفال‌های دوره آغاز نگارش را نشان داد که با ادامه کاوش این موضوع بیشتر نمایان شد. بنابراین این ترانسه به منظور شناخت سفال‌های آغاز نگارش تل بلاذیه و مطالعه گاهنگاری داخلی دوره اوروک در نظر گرفته شد (Alizadeh, 2005: 67). روش استفاده از لایه و فیچر (پدیده) برای کاوش انتخاب شد و بدین ترتیب اولین ۲۰ سانتی‌متر خاک ترانسه به عنوان L:001 (لایه شماره ۱) در نظر گرفته شد. پس از رسیدن به لایه دوم (L:002) به اولین فیچر برخورد کردیم که قسمتی از دیوار یک انبارک خشتی بود که به شدت آسیب دیده به نظر می‌رسید و از خشت‌هایی با ابعاد تقریبی ۳۶×۳۶ سانتی‌متر که بصورت عمودی چیده شده بودند، تشکیل می‌شد و آن را F:001 (فیچر شماره ۱) نام نهاده و مواد فرهنگی داخل آن را با نام لایه سوم (L:003) ثبت کردیم. بدین ترتیب کاوش تا لایه‌های زیرین ادامه یافت و تا رسیدن به خاک بکر در گوشه شمال و شمال غرب ترانسه هفت لایه و چهار فیچر شد.

همانطور که یاد شد سفال‌های بدست آمده از این ترانسه همگی متعلق به دوران آغاز نگارش بوده و تنها دو مورد سفال منقوش پیش از تاریخ (شوشان میانه جدید و شوشان جدید ۲) دیده شدند که با توجه به آسیب دیدگی سطح تپه و سوراخ‌های ایجاد شده بوسیله حیوانات امری طبیعی به نظر می‌رسید. سفال‌های دوره آغاز نگارش تل بلاذیه نیز همانند دیگر محوطه‌های دارای این فرهنگ در جنوب غربی ایران و بین‌النهرین بوده

شرقی تپه چغامیش واقع شده است (تصویرالف). اندازه تقریبی آن ۱۲۰×۱۷۰ متر و ارتفاع ۱۴ متر از سطح زمین‌های اطراف بوده و ۸۴ متر از سطح دریای آزاد ارتفاع دارد. این تپه به نظر وسیع‌تر از چیزی است که امروزه به نظر می‌رسد و گسترش فعالیت‌های کشاورزی به شدت موجب تخریب آن شده و تنها بخش کوچکی از ادامه آن در سوی شرق و جنوب شرقی باقی مانده است. حتی کشاورزان قسمت‌هایی از سطح تپه را نیز شخم زده و بدین ترتیب آثار سطحی تپه دچار تخریب جدی شده‌اند (تصویر ب). همانطور که یاد شد روستای بلاذیه در نزدیکی این محوطه واقع شده و به احتمال زیاد وجه تسمیه آن از نام روستا است. شغل اصلی مردمان این روستا کشاورزی و دامداری است. بیشتر محصولات کشاورزی شامل گندم، ذرت، هندوانه، خیار، گوجه‌فرنگی، سیب‌زمینی و شلغم و محصولات دامی را گوسفند، بز و گاومیش تشکیل می‌دهند. اما به دلیل گسترش طرح نیشکر در خوزستان برخی از روستاییان به کار در مزارع نیشکر، کارخانه و رانندگی ماشین‌های سنگین مشغولند.

### ترانسه C6N

پس از بررسی روشمند تپه و مطالعه سفال‌های داده از آن، نقاط خاصی از تپه به منظور گمانه‌زنی و لایه‌نگاری انتخاب شدند (تصویر ج). یکی از نقاط انتخابی تپه جهت کاوش مربع C6 در قسمت غرب و شمال غربی تل بلاذیه بود که به دو قسمت C6 شمالی (C6N) و C6 جنوبی (C6S) تقسیم گردید و در این مربع، دو مستطیل ۳×۶ متر مورد کاوش قرار

برگشته به سمت بیرون را ندارند بلکه قسمت انتهایی لبه آن‌ها باریک شده است. این گروه، کاسه‌های لبه واریخته ابتدایی طبقه‌بندی گردیدند<sup>□□</sup> (شکل ۱- A,H). گروه دیگر که بیشترین فرم را تشکیل می‌دهند دارای تنوع زیادی هستند و برعکس گروه قبل؛ بیشتر خمیره نخودی تیره دارند تا روشن، ولی از نظر شاموت با گروه قبل تفاوتی ندارند. نکته جالب توجه در ارتباط با این گروه داشتن پوششی غیر از رنگ خمیره بر روی سطح سفال است. بیشتر این پوشش‌ها را رنگ آجری و سپس نخودی روشن و تعداد کمی را نیز دست مرطوب تشکیل می‌دهند (شکل ۱- B,G). کاسه‌های این گروه لبه به بیرون برگشته دارند اما فرم لبه‌ها نشان می‌دهند که یا شیوه ساخت و یا ابزار مورد استفاده متفاوت بوده است. به طوری که برخی از لبه‌ها سطحی صاف و با یک شیب به سمت بیرون متمایل می‌شوند که خود این شیب نیز گاه تند و گاهی کند است و برخی روی لبه شیار پهنی دارند که آن را به یک فرورفتگی روی لبه تبدیل کرده است (شکل ۱- C). به نظر تولید زیاد این گونه سفال‌ها از دقت سفالگر کاسته است و با توجه به پیدا شدن چاله‌هایی پر از کاسه‌های لبه واریخته در دامنه شمال و شمال غرب تپه به نظر کاربری آن به گونه‌ای بوده که همیشه باید در دسترس باشند و برای این کار پس از تولید انبوه، در چاله‌هایی دفن می‌شدند تا در صورت نیاز بتوان از آن‌ها استفاده کرد اما هنوز هم کاربری مشخصی برای آن‌ها ارایه نگردیده است.

(Pollock, 1990: 61-64; LeBreton, 1957: 185) به طوری که بیشتر سفال‌ها ساده و دارای خمیره نخودی تیره و روشن با شاموت کاه ریز، کاه درشت و شن هستند. تزیینات روی سفال‌ها نیز شامل تزیینات افزوده همچون طنابی و کنده (خطوط هاشوری، افقی، شاخه‌ای و جناغی) بوده و در کنار آن دیگر مشخصه‌های سفال‌های آغاز نگارش همچون دسته‌های تسمه‌ای شکل، لوله‌های کوتاه آغاز نگارشی، دسته‌های کوچک تزیینی سوراخ‌دار<sup>□□</sup> و تزیین جالب توجه پوشش خراش داده شده<sup>□</sup> دیده می‌شوند که از این نظر قابل مقایسه با محوطه‌های بزرگی همچون چغامیش و شوش هستند (D.Canal 1978: 175) (Delogaze ) (& Kantor 1966, pl: 80-124).

### طبقه‌بندی سفال‌ها

سفال‌ها به دو دسته اصلی تقسیم شدند: ۱- کاسه‌های لبه واریخته ۲- دیگر ظروف که به دلیل کامل نبودن قسمت‌های مختلف آن‌ها از جمله: الف- دسته، لوله و بدنه ب- لبه ظروف جداگانه مورد مطالعه و طبقه‌بندی قرار گرفتند.

### ۱- کاسه‌های لبه واریخته

در مجموع کاسه‌های لبه واریخته با توجه به فرم و لبه آن‌ها به دو گروه اوروک قدیم و جدید تقسیم شدند که تعداد گروه دوم بیشتر است. گونه اول از این نوع کاسه‌ها بیشتر دارای خمیره نخودی روشن بوده و شاموت همگی آن‌ها را کاه درشت تشکیل می‌دهد و پوشش دست مرطوب روی هر دو سطح سفال دیده می‌شود. لبه این کاسه‌ها نه تنها حالت

## ۲- الف: دسته، لوله و بدنه

دسته‌های ظروف به طور کلی بر دو نوعند: تزئینی-کاربردی. دسته‌های تزئینی بیشتر با نقش کنده یا افزوده بر روی سفال‌ها همراهند و به صورت یک قطعه برجسته شبیه بینی و معمولا با سوراخی در میانشان دیده می‌شوند. این دسته‌ها در ابتدای ظهورشان کمی به سمت بالا متمایل هستند که در ادامه و در فاز جدید اوروک صاف می‌شوند (Johnson, 1973:54). دسته‌های تزئینی به دست آمده از کاوش‌های ترانشه C6N همگی به فاز اوروک جدید تعلق داشته و فقط یک مورد که بدون سوراخ و کمی با بقیه متفاوت است، به نظر قدیمی‌تر می‌سد (شکل ۲-N).

دسته‌های کاربردی تنوعی ندارند و همگی از نوع تسمه‌ای شکل اند □□□ و به صورت نوار پهنی بیشتر از نزدیکی لبه ظرف به بدنه چسبانده شده‌اند.

لوله‌های کوتاه مستقیم و یا خمیده نیز از مشخصه سفال‌های آغاز نگارشی هستند. این لوله‌ها در فاز اوروک قدیم خمیده به سمت پایین و در فاز جدیدتر به صورت مستقیم و خمیده به سوی بالا دیده می‌شوند. لوله‌های بدست آمده از ترانشه C6N و دیگر ترانشه‌ها همگی از نوع اوروک جدید هستند. آن‌ها بدنه ضخیم و سوراخ بیضی شکل دارند (شکل ۳-A,C&E).

بدنه‌ها همانند دیگر کاوش‌ها بیشترین تعداد سفال‌ها را تشکیل می‌دهند که هم به صورت ساده و هم دارای تزئینات دیده می‌شوند اما تعداد ساده‌ها بسیار بیشتر است. بدنه‌های ساده بیشتر خمیره نخودی روشن و تیره، شاموت کاه ریز، شن ریز و شن درشت دارند و گاهی پوششی از رنگ خمیره

سفال یا از رنگ‌های آجری و نخودی روشن به صورت غلیظ یا رقیق روی سطح آن‌ها دیده می‌شود. برخی از آن‌ها با نقش کنده یا افزوده و یا پوشش خراش داده شده تزئین شده‌اند. اما سفال منقوش اوروک در میان آن‌ها دیده نمی‌شود (Wright, Neely, Johnson & Speth 1975: )  
146. نقش‌های کنده را بیشتر هاشورهای متقاطع و تعداد کمی را نیز خطوط مورب و به شکل شاخه‌ای تشکیل می‌دهند (شکل ۳-J). نقش‌های افزوده نیز محدود به تزئین برجسته طنابی شکل و گاه روی نوار برجسته طنابی شکل خط‌های کنده اریب ایجاد کرده‌اند (شکل ۳-F,M). یک گونه تزئین دیگر روی بدنه برخی سفال‌ها همان طور که گفته شد پوشش خراش داده شده نام نهادیم. در این روش روی سطح سفال را پوشش غلیظی (معمولا به رنگ نخودی روشن) داده و سپس به وسیله یک شی تیز روی سطح پوشش داده شده را به آرامی و بعضا در فاصله‌های معین خراش می‌دهند و بدین ترتیب قسمت‌های خراش داده شده کم رنگ‌تر به نظر می‌رسند و شکل زیبایی به سطح سفال می‌بخشند. این تزئین معمولا دو گونه روی سفال دیده می‌شود: افقی و عمودی (شکل ۳-G,I). آن دسته که افقی هستند به نظر جانسون قدیمی‌تر و آن گروه که این نوع تزئین روی آن‌ها به صورت عمودی اجرا شده، جدیدتر هستند (Johnson 1973: 58)، که هر دو گروه در کاوش‌های تل بلا دیه و ترانشه C6N دیده شدند.

## ۲- ب: لبه ظروف

فرم لبه ظروف اوروک بسیار زیاد است و به طور کلی لبه ظرف‌های بدست آمده از ترانشه C6N

در تل بلاديه امکان پذیر نیست. ارتفاع زیاد تپه از سطح دشت ما را به تفکر در رابطه با وجود لایه‌های فرهنگی زیاد در این تپه وادار کرد اما نتایج کاوش‌های دیگر ترانسه‌ها نیز نشان دادند که استقرار باید از ابتدا در روی بلندی تپه شروع شده باشد و وجود ساختارهای این چنین در دشت‌های سیل‌خیزی همچون شوشان، مکان‌های مناسبی جهت استقرار بوده‌اند. این فرض با بررسی منطقه شرق رود دز در نزدیکی محل کاوش تقویت شد چراکه امروزه نیز تپه ماهورها در این منطقه وجود دارند و توسط کوچ‌نشینان‌ها استفاده می‌شوند. کوچ‌نشینان در حاشیه رودخانه‌ها امروزه هم از تپه‌های طبیعی و باستانی جهت استقرار و حفاظت دام‌ها از سیلاب‌های احتمالی استفاده می‌کنند که چغامیش یکی از آن‌ها است (تصویر د).

با توجه به کاوش‌های ترانسه C6N تنها یک لایه استقرار در فاز اوروک جدید در این قسمت از تپه دیده می‌شد که بلافاصله در زیر آن با لایه ضخیمی از انباشت آوار خشت مواجه شدیم که آسیب زیادی دیده بود و شاید برای پی بنا از آن‌ها استفاده شده باشد و بلافاصله در زیر این انباشت خاک بکر قرار داشت. نکته دیگری که باعث عدم موفقیت ما در رسیدن به اهداف مورد نظر شد وجود گورهای دوران اسلامی و متعلق به کوچ‌نشینان بود. این گور‌ها تقریباً همه سطح تپه را پوشانده و برخی از آن‌ها در عمق زیاد دفن شده و همین امر سبب تخریب لایه‌های باستانی گردیده بود (تصویره). تپه‌های بلند نه تنها مکان‌های مناسبی جهت استقرار کوچ‌نشینان بلکه جای مناسبی برای دفن مردگان نیز به حساب می‌آید. این سنت امروزه هم توسط آنان انجام

به دو دسته تقسیم می‌شوند: ۱- لبه‌های برگشته به سوی بیرون □□□□ ۲- لبه‌های به داخل برگشته □□ که تعداد گروه اول بسیار بیشتر از گروه دوم است. گروه اول تنوع زیادی دارند به طوری که قسمت انتهایی این نوع لبه‌ها خود گونه‌های مختلفی از قبیل نوک تیز (شکل ۲-O)، تخت (شکل ۲-D,K&Q)، لبه‌های دارای برجستگی (شکل ۲-C,G&R) و لبه‌های وارپخته (شکل ۲-I,L&S) را تشکیل می‌دهند. خمیره بیشتر سفال‌های این گروه را نخودی تیره و تعداد کمی را نیز قهوه‌ای روشن و شاموت آن‌ها را نیز شن درشت، ترکیب کاه و شن درشت، ترکیب کاه و شن ریز و سنگ‌ریزه تشکیل می‌دهند.

لبه‌های به داخل برگشته فرم مشخصی داشته و دارای یک برجستگی بزرگ و برخی از آن‌ها شیاری درست در زیر لبه دارند و از نظر خمیره و شاموت مشابه دسته اول بوده (شکل ۲-A,B,H&J) و همگی به فاز اوروک جدید تعلق دارند. لازم به ذکر است تقریباً همگی ظرف‌های هر دو گروه دارای پوشش هستند که می‌توان: آجری، نخودی روشن، دست مرطوب و ترکیب دست مرطوب و آجری را نام برد. تزیینات روی آن‌ها را نیز پوشش خراش داده شده (شکل ۲-I,S)، نقش کنده (شکل ۲-F)، دسته‌های کوچک تزیینی (شکل ۲-N) و شیار زیر لبه (شکل ۲-J,M&P) تشکیل می‌دهند.

### نتیجه‌گیری

پس از رسیدن ترانسه C6N به خاک بکر در عمق حدود ۱/۳۰ سانتی‌متری از سطح تپه به نظر رسید که مطالعه گاهنگاری داخلی دوران اوروک

قدرت یافتن چغامیش در فاز اوروک جدید در دشت شوشان، مطالعه استقرارهای ماهواره‌ای آن از دو دیدگاه جالب توجه هستند: نخست آن که محوطه‌های نزدیک به چغامیش همچون تل بلاذیه باید تحت نفوذ شدید آن بوده و فعالیت‌های تولیدی-صنعتی به شدت کنترل می‌شدند و شاید این گونه مراکز محلی نقش محوطه‌های تولیدی را برای استقرارهای بزرگی همچون چغامیش ایفا می‌کردند و تولیدات آن‌ها اعم از کشاورزی و دامی وابسته به نیازهای مرکز منطقه‌ای بزرگ بوده است. دوم دیدگاهی کاملاً متفاوت است و اینکه مراکز کوچک در همسایگی مراکز بزرگ منطقه‌ای اهمیتی دو چندان یافته و شاید خود بتواند دارای ماهواره باشند و نقش مهمی را در حفاظت از مراکز بزرگ منطقه‌ای ایفا کنند. شاید بتوان ابوفندوا در نزدیکی محوطه باستانی هفت تپه را مثال خوبی برای این فرض در دوران اقتدار شوش دانست اما درستی فرضیه‌های یاد شده به بررسی و کاوش‌های هدفمند در منطقه بستگی دارد.

### یادداشت‌ها

- ۱ - KS مخفف عبارت Khuzistan Survey است.  
در بررسی‌های خوزستان توسط رابرت مک‌لی آدامز، هر محوطه‌ی باستانی با یک شماره ثبت گردیده است.  
پ.م. ۲۶۰۰-۳۱۰۰-۳ Reorganized \_ 2  
4 - Lug Handle 5 - Reserved Slip  
6 - Proto Beveled Rim Bowl  
7 - Strap Handle 8 - Flared Rim  
9 - Incurved Rim 10- Pottery Sycle  
11- ladle

می‌شود و می‌توان آن را به عوامل انسانی تخریب تپه‌های باستانی اضافه کرد.

به هر حال داده‌های سفالی ترانسه C6N نشان از تغییر خاصی در سفال‌گری دوره اوروک در تل بلاذیه نمی‌دهند، هر چند استفاده از سایر ابزارها همچون داس‌های سفالی<sup>□</sup>، خراشنده‌ها و ظروف ملاقه‌ای شکل سفالی<sup>□□</sup> در جای خود قابل تامل است. به طور کلی سفال‌هایی که به فاز اوروک قدیم تل بلاذیه نسبت داده شده بیشتر خمیره‌ای به رنگ‌های نخودی تیره و قهوه‌ای روشن و شاموت آن‌ها بیشتر معدنی است تا گیاهی، چرا که در ساختار آن‌ها شن ریز و درشت و ترکیب آن‌ها با کاه بسیار بیشتر از مواد آلی به تنهایی است. اما در فاز اوروک جدید خمیره سفال‌ها بیشتر به رنگ نخودی روشن و استفاده از شاموت گیاهی رواج می‌یابد که ممکن است این مساله را پیشرفت ساختار کوره‌های سفال‌گری و یا شیوه حرارت دادن سفال‌ها در فاز اوروک جدید توجیه کنند.

به هر حال کاهش چشمگیر نفوذ شوش بر شرق دشت شوشان در فاز اوروک جدید و مرکزیت یافتن چغامیش به عنوان یک مرکز بزرگ منطقه‌ای، بر اهمیت محوطه‌های اطراف آن افزود. با توجه به این مطلب و اهمیت کم شرق دشت شوشان در فاز اوروک قدیم، به نظر می‌سد تل بلاذیه نیز از اهمیت چندانی برخوردار نبوده است. این موضوع را درصد بسیار کم سفال‌های این فاز بازگو می‌کنند و به نظر می‌رسد این سفال‌ها متعلق به استقرار خود تپه نباشند، اما سفال‌های مربوط به فاز اوروک جدید تل بلاذیه تنوع بسیار داشته که نشان از انتقال قدرت و اهمیت از غرب به شرق دشت شوشان دارد. با



101, Chicago, Oriental Institute Vol. 1, Part 2, Plates: 80-124.

- Helwing, Barbara; 2004, Early Towns in Iran, Persiens Antike Prach, Bouchum, pp. 154-7.

- Johnson, Gregory, A; 1973, Local Exchange and Early State Development in Southwestern Iran, Michigan, Ann Arbor.

- Kirkby, Michael, J; 1977, Land and Water recourses of the Deh Luran and Khuzistan Plains. In Frank Hole, Sudies in Archaeological History of the Deh Luran Plain, Memoirs of the Museum of Anthropology. University of Michigan. Ann Arbor. Pp. 251-288.

- Pollock, S; 1988, Political Economy as Viewed from the Garbage Dump: Jamdat Nasr Occupation at the Uruk Mound, Abu Salabikh, Paleorient, Vol. 16/1, pp. 57-75.

- Sumner, William. M; 1988, Prelude to Proto-Elamite Anshan. The Lappuii Phase, Iranica Antiqua Vol 23, Melanges P. Amiet I, pp. 23-43.

- Wright, Henry, T; 1977, Uruk States in Southwestern Iran, Archaic States, edited by Gary M. Feinman and Joyce Marcus, pp. 173-197.

- Wright. H, J. Neely, G. A. Johnson, & John Speth; 1973, Early Fourth Millennium Developments in Southwestern Iran, Iran Vol. 13, pp. 129-147.

## منابع

- علیزاده، عباس؛ ۱۳۸۲، الگوهای استقرار و فرهنگ-

های پیش از تاریخی دشت شوشان، ترجمه لیلا پاپلی یزدی و عمران گاراژیان، انتشارات پژوهشکده باستان-شناسی سازمان میراث فرهنگی و گردشگری کشور، چاپ اول.

- علیزاده، عباس؛ ۱۳۸۰، تئوری و عمل در باستان-شناسی، انتشارات سازمان میراث فرهنگی و گردشگری کشور.

- ملک شهمیرزادی، صادق؛ ۱۳۷۵، ایران در پیش از تاریخ، انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور.

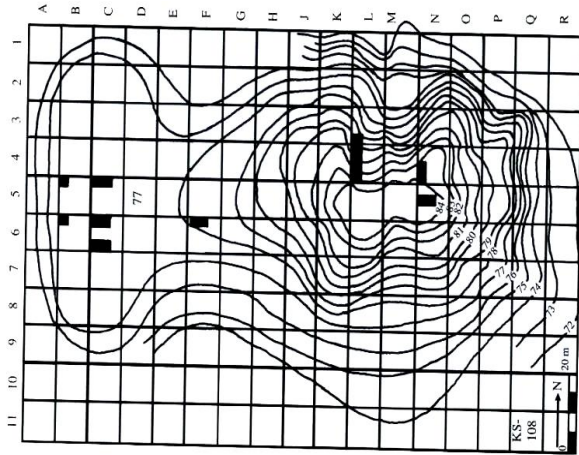
- Algaze, Guillermo; 1993, The Uruk World System, The University of Chicago Press, pp. 13-17

- Alizaeh, Abbas; 1988, Socio- Economic Complexity in Southwestern Iran During the Fifth and Fourth Millennium B.C. The Evidence from Tall-e-Bakun, Iran Vol. 26, pp. 17-33.

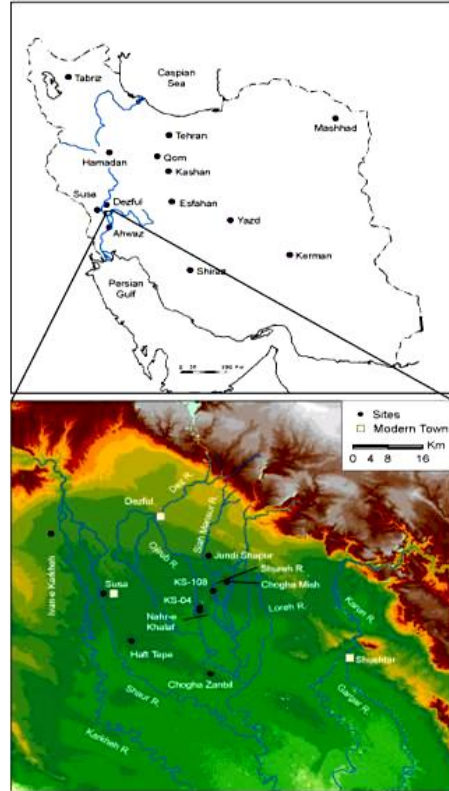
- Alizadeh, Abbas; 2004, Iranian Prehistoric Project, Abbas Alizadeh, Ali Mahfrouzi, Abul Ahrar, Kobra Aghaii, Saeed Ebrahimi, Tobin Hartnell, Mohammad Karami, Lili Niakan and Mosa Zare, The Oriental Institute Annual Report, pp. 56-69.

- Canal, Denis; 1977, La Haute Treeasse de L'acropole de Suse, Paleorient, Vol. 4, pp. 163-192.

- Delogaze, P and Helen J. Kantor; 1996, Choga Mish: The First Five Seasons of Excavation 1961-1971. Edited by Abbas Alizadeh, Oriental Institute Publications



تصویر الف- موقعیت جغرافیایی تل بلادیة (KS-108) در دشت شوشان (سمت راست) و نقشه توپوگرافی تل بلادیة و موقعیت ترانسه‌ها بر روی تپه (برگرفته از Annual Report 2004-2005)



تصویر ب- تل بلادیة، دید از شمال و شمال غرب، در این تصویر گستردگی زمین‌های کشاورزی تا پای تپه دیده می‌شود.

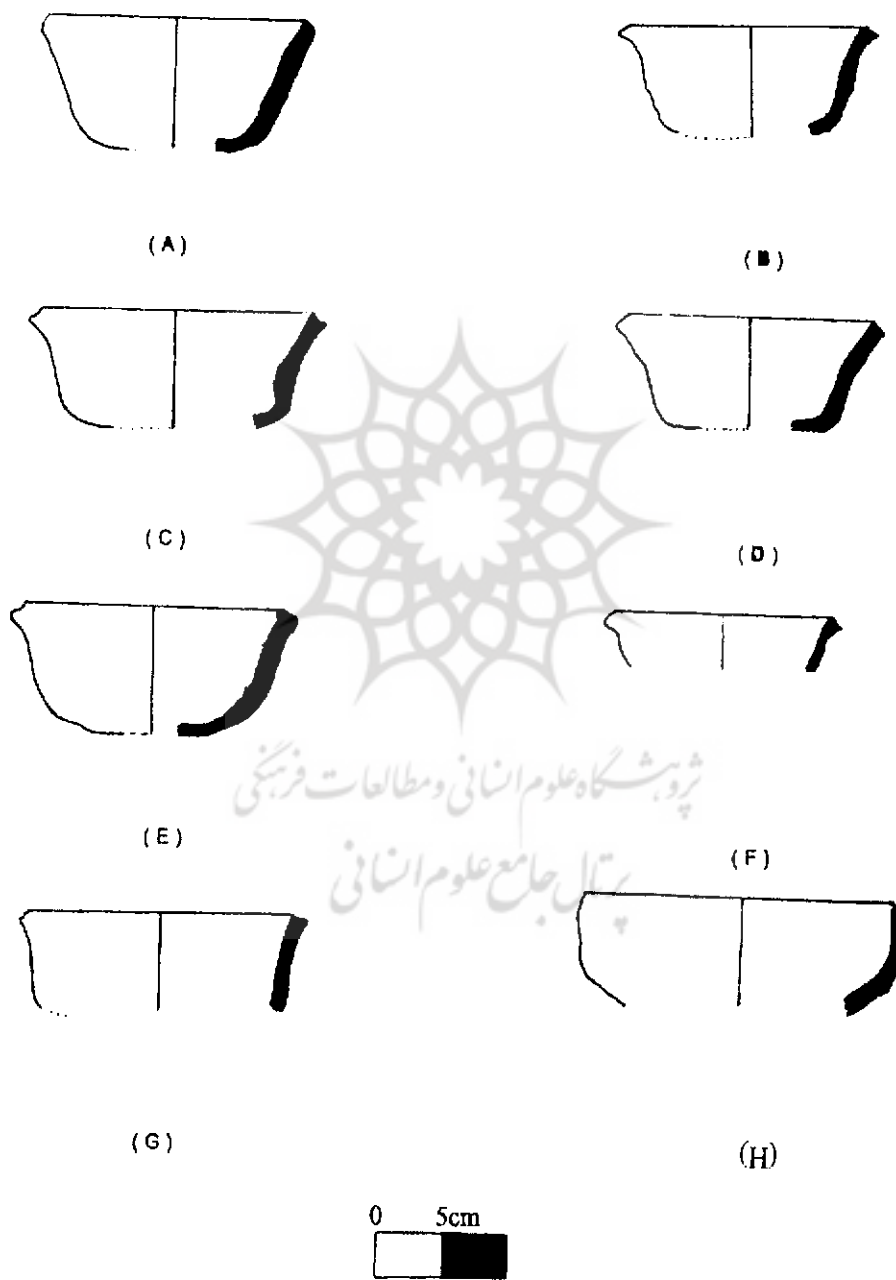
تصویر ج- ترانسه‌های ایجاد شده در تل بلاذیه  
و موقعیت ترانسه C6N



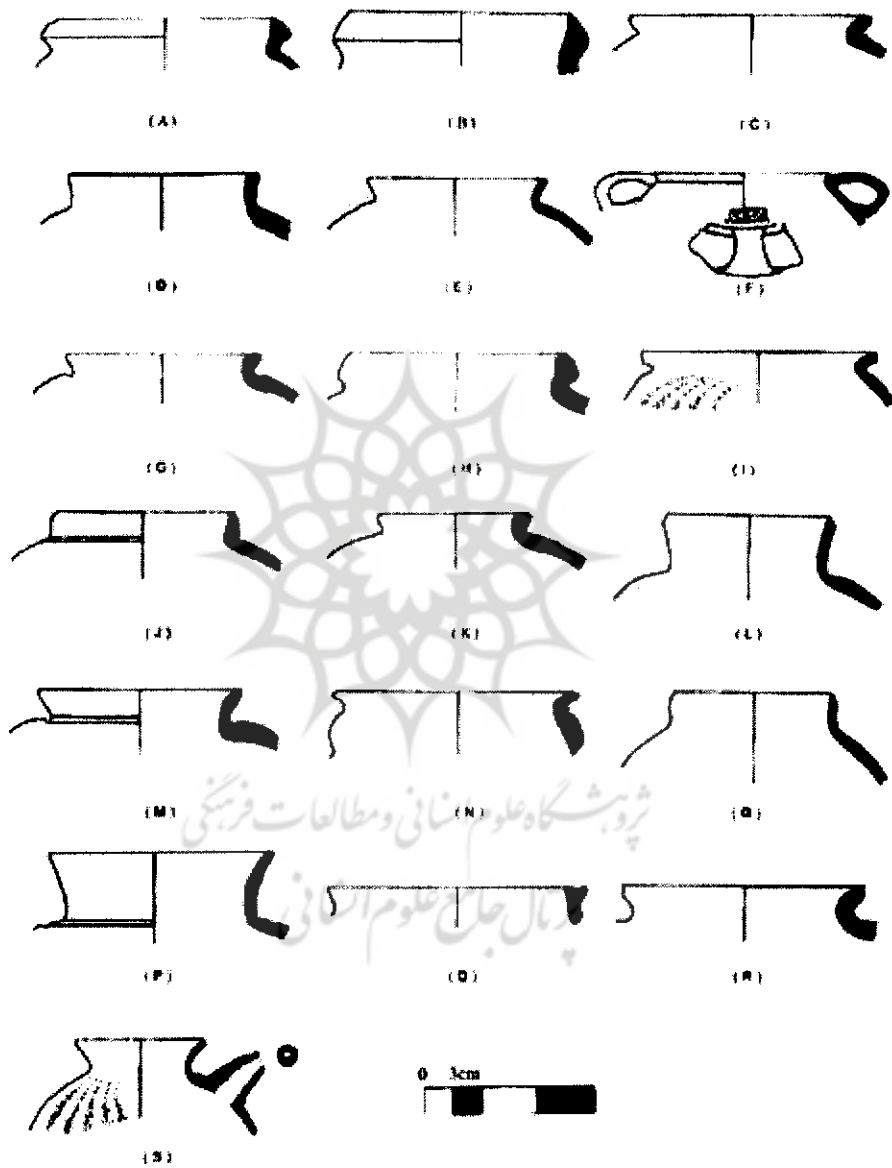
شکل د- تپه چغامیش و چادرهای کوچ نشینان  
در دامنه آن

تصویر ه- قسمتی از ساختار یک گور دارای  
خشت چین متعلق به اوایل اسلام در ضلع  
جنوب و جنوب غربی ترانش

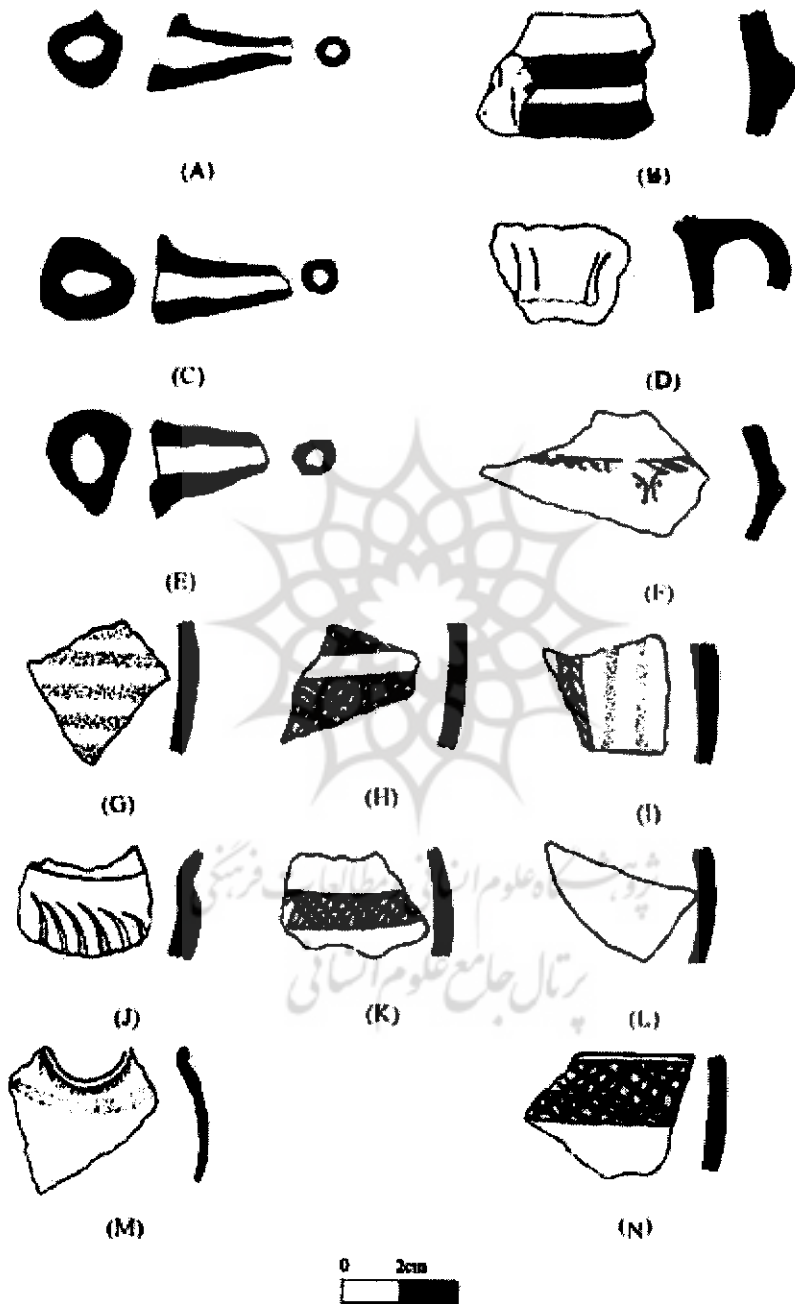




شکل ۱-گونه های مختلف سفال لبه واریخته تراشه C6N



شکل ۲-خرم ظروف لبه برگشته تراشه C6N



شکل ۳-لوله دسته‌بندنه و تزیینات مربوط به سفالی‌های تراشده C6N

منبع مقایسه	دوره	توصیف	فیچر	لایه	ردیف
Johnson1973, plateI:a	اوروک قدیم؟	خمیره نخودی تیره، شاموت کاه درشت، پوشش دست مرطوب روی هر دو سطح	-	L:001	A
P.Delogaz&H.Kantor1961-71, part2, plate83:2	اوروک جدید	خمیره نخودی تیره، شاموت کاه درشت، پوشش آجری روی هر دو سطح	F:003	L:005	B
I:a Johnson1973, plate	اوروک جدید	خمیره نخودی روشن، شاموت کاه درشت، پوشش نخودی تیره روی هر دو سطح	-	L:001	C
P.Delogaz&H.Kantor1961-71, part2, plate83:N	اوروک جدید	خمیره نخودی تیره، شاموت کاه درشت، پوشش آجری روی هر دو سطح	-	L:002	D
Ibid,plate83:T	اوروک جدید	خمیره نخودی تیره، شاموت کاه درشت، پوشش دست مرطوب روی هر دو سطح	-	L:001	E
Ibid,plate83:L	اوروک جدید	خمیره نخودی تیره، شاموت کاه درشت، پوشش دست مرطوب روی سطح داخلی ظرف	-	L:001	F
Ibid,plate83:K	اوروک جدید	خمیره نخودی تیره، شاموت کاه درشت، پوشش دست مرطوب روی هر دو سطح، مغز سفال به رنگ سیاه درآمده است.	F:004	L:006	G
Johnson1973, page54:6	اوروک قدیم؟	خمیره نخودی تیره، شاموت درشت، پوشش دست مرطوب روی سطح بیرونی ظرف	-	L:001	H

## جدول ۱- مشخصات سفال‌های شکل ۱

منبع مقایسه	دوره	توصیف	فیچر	لایه	ردیف
P.Delogaz&H.Kantor1961-71, part2, plate91:K	اوروک جدید	خمیره نخودی تیره، شاموت ترکیبی کاه و شن درشت، پوشش دست مرطوب روی هر دو سطح	F:003	L:007	A
Ibid, plate93:F	اوروک جدید	خمیره نخودی روشن، شاموت کاه ریز، پوشش دست مرطوب روی هر دو سطح	-	L:001	B
Johnson1973, plate III:a	اوروک جدید	خمیره نخودی تیره، شاموت ترکیبی شن درشت و کاه ریز	-	L:002	C
P.Delogaz&H.Kantor1961-71, part2, plate95:N	اوروک میانه؟	خمیره نخودی روشن، شاموت کاه ریز، پوشش دست مرطوب روی هر دو سطح بیرونی	-	L:002	D
-	اوروک قدیم؟	خمیره نخودی تیره، شاموت ترکیبی کاه ریز و شن درشت، پوشش دست مرطوب روی هر دو سطح	F:003	L:005	E
Ibid, plate, 84:W	اوروک جدید	خمیره نخودی روشن، شاموت ترکیبی کاه ریز و شن درشت، پوشش دست مرطوب روی سطح	-	L:001	F
Ibid, plate, 90:H	اوروک جدید	خمیره نخودی تیره، شاموت ترکیبی کاه ریز و شن درشت، پوشش آجری روی هر دو سطح	-	L:001	G
Ibid, plate, 94:A	اوروک جدید	خمیره نخودی تیره، شاموت ترکیبی کاه ریز و شن درشت، در اثر حرارت زیاد خمیره به رنگ سبز درآمده است	-	L:001	H
Ibid, plate, 94:C	اوروک جدید	خمیره نخودی تیره، شاموت شن درشت، پوشش نخودی روشن که روی آن خراش داده شده	-	L:001	I
Ibid, plate, 93:E	اوروک جدید	خمیره نخودی تیره، شاموت ترکیبی کاه ریز و شن درشت، پوشش دست مرطوب روی سطح بیرونی و لبه ظرف	-	L:001	J
Ibid, plate, 101:G	اوروک جدید	خمیره نخودی تیره، شاموت شن درشت، پوشش آجری روی سطح بیرونی	-	L:001	K
Johnson1973, plate III: f	اوروک جدید	خمیره نخودی تیره، شاموت ترکیبی کاه ریز و شن درشت، پوشش نخودی روشن روی هر دو سطح	-	L:001	L
-	اوروک قدیم؟	خمیره قهوه‌ای روشن، شاموت سنگ ریزه، پوشش دست مرطوب روی هر دو سطح	F:004	L:006	M
-	اوروک قدیم؟	خمیره نخودی روشن، شاموت کاه و شن ریز، پوشش دست مرطوب روی هر دو سطح	F:004	L:006	N
-	اوروک قدیم؟	خمیره نخودی تیره، شاموت شن درشت روی سفال آثار سوختگی دیده می‌شود	-	L:001	O
P.Delogaz&H.Kantor1961-71, part2, plate105: 1	اوروک جدید	خمیره نخودی تیره، شاموت شن درشت، پوشش آجر روی هر دو سطح	-	T.T*	P
-	اوروک قدیم؟	خمیره نخودی تیره، شاموت شن درشت، پوشش آجری روشن روی سطح بیرونی	-	سطح	Q
-	اوروک قدیم؟	خمیره نخودی روشن، شاموت ترکیبی شن و کاه درشت، پوشش نخودی روشن روی سطح بیرونی	F:003	L:007	R
P.Delogaz&H.Kantor1961-71, part2, plate107:B	اوروک جدید	خمیره نخودی روشن، شاموت ترکیبی شن و کاه درشت، پوشش خراش داده شده نخودی روشن روی سطح بیرونی	-	T.T	S

## جدول ۲- مشخصات سفال‌های شکل ۲

\* مخفف گمانه آزمایشی Test Trench

منبع مقایسه	دوره	توصیف	فیچر	لایه	ردیف
P.Delogaz&H.Kantor19 61-71, part2, plate121: E	اوروک جدید	خمیره آجری رنگ، شاموت شن ریز، پوشش نخودی روشن روی سطح بیرونی	-	L:001	A
Ibid, plate, 121:E	اوروک جدید	خمیره نخودی تیره، شاموت ترکیبی شن و گاه درشت، پوشش قرمز آجری روی هر دو سطح	-	سطح	B
Johnson1973, plate V: D	اوروک جدید	خمیره نخودی، شاموت ترکیبی شن و گاه ریز، پوشش دست مرطوب روی سطح بیرونی	-	L:002	C
Ibid, plate, VII:C	اوروک جدید	خمیره نخودی تیره، شاموت ترکیبی سنگ ریزه و گاه درشت، پوشش قرمز آجری روی هر دو سطح	-	L:006	D
Ibid, plate, VI: B	اوروک جدید	خمیره نخودی، شاموت گاه ریز، پوشش دست مرطوب روی هر دو سطح	-	L:002	E
P.Delogaz&H.Kantor19 61-71, part2, plate121: H	اوروک جدید	خمیره نخودی مایل به سبز، شاموت ترکیبی شن درشت و گاه ریز	F:003	L:007	F
-	اوروک قدیم؟	خمیره نخودی تیره، شاموت ترکیبی شن درشت گاه ریز، پوشش نخودی روشن روی سطح بیرونی	-	L:006	G
Johnson1973, plate IV; B	اوروک جدید	خمیره نخودی تیره، شاموت گاه درشت، پوشش نخودی روشن، سطح بیرونی دودزده	F:003	L:007	H
-	اوروک جدید	خمیره نخودی تیره، شاموت گاه ریز، پوشش نخودی روشن	-	L:001	I
Johnson1973, plate IV: E	اوروک جدید	خمیره نخودی روشن، شاموت شن درشت	-	L:001	J
P.Delogaz&H.Kantor19 61-71, part2, plate112: A	اوروک جدید	خمیره نخودی تیره، شاموت شن ریز	-	L:002	K
-	اوروک جدید	خمیره نخودی تیره، شاموت گاه درشت، پوشش قرمز قهوه‌ای روی هر دو سطح، سطح بیرونی داغدار	-	L:002	L
P.Delogaz&H.Kantor19 61-71, part2, plate112: F	اوروک جدید	خمیره نخودی تیره، شاموت شن درشت، پوشش قهوه‌ای تیره روی سطح بیرونی	-	L:001	M
Ibid, plate, 112:D	اوروک جدید	خمیره نخودی روشن، شاموت شن درشت، پوشش دست مرطوب روی هر دو سطح	-	سطح	N

جدول ۳- مشخصات سفال‌های شکل ۳

پرتال جامع علوم انسانی  
ژورنال علمی و مطالعات فرهنگی